

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره چهل و سوم، زمستان ۱۳۹۵: ۱۳۸-۱۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۲

تحلیل درون‌مایه‌ها و عناصر زبانی در اشعار طنز غلام‌رضا روحانی

* روجا آدینه‌پور باقری

** علی‌اکبر باقری خلیلی

*** احمد غنی‌پور ملک‌شاه

چکیده

طنزهای «غلام‌رضا روحانی» ضمن بازتاب اوضاع اجتماعی ایران در دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم، حکایت از هم‌زیستی و هم‌دلی او با توده مردم داشته و از لحاظ زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی قابل بررسی است. مقاله حاضر با روشی تحلیلی-توصیفی درصدد است به بررسی مهم‌ترین درون‌مایه‌های طنز در اشعار روحانی، نگرش وی نسبت به موضوعات و مناسبات اجتماعی و چگونگی بازتاب آنها بپردازد. روحانی ضمن طرح دیدگاه‌های انتقادی سیاسی-اجتماعی، برای بازنمود هنری‌تر و تأثیرگذارتر آنها از عناصر و شگردهای زبانی و بیانی مختلف استفاده می‌کند؛ مثلاً با استفاده از باهم‌آیی واژگانی، تضاد معنایی بسترهای مناسبی را برای به چالش کشیدن تبعیض‌ها و تضادهای سیاسی-اجتماعی و ایدئولوژیکی فراهم می‌سازد. وفور واژگان و ترکیبات عامیانه به عنوان ابزاری برای طرح مسائل اجتماعی به زبان مردمی از ویژگی‌های زبانی طنز روحانی است. تشبیه‌بنیاد بودن طنزهای روحانی دال بر این است که تشبیه در تصویر موضوعات اجتماعی و دریافت آنها توسط مردم، قدرت بیشتری دارد. انتقاد از شرایط محیطی همچون آلودگی شهرها و نبود زیرساخت‌های مورد نیاز، واقعه کشف حجاب و جنگ جهانی و پیامدهای آن، مشکلات اقتصادی و برخی از موضوعات اجتماعی، مانند غرب‌زدگی، مسائل زنان،

rojaadineh@yahoo.com

aaabagheri@umz.ac.ir

a.ghanipour@umz.ac.ir

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران

بیکاری و وضعیت بفرنج اداری از جمله موضوعاتی است که در طنز روحانی بازتاب یافته‌اند. تحلیل طنزهای شاعر بیانگر کنش اجتماعی وی برای اصلاح، تغییر یا نفی گفتمان‌های موجود محسوب می‌شود. شاعر جز در برخی موارد، همچون پیشرفت و تحصیل و اشتغال زنان و یا حمایت از کالای ملی، غالباً به انتقاد و نفی وضع جامعه می‌پردازد و به دنبال تغییر آنهاست.

واژه‌های کلیدی: طنز، غلامرضا روحانی، عناصر زبانی، درون‌مایه.

مقدمه

ادبیات تاریخچه هویت ملت‌ها و منبع هنری شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری است. تأثیر محیط اجتماعی بر آثار ادبی و همراهی ادبیات و اجتماع به قدری زیاد است که بیشتر آثار ادبی را می‌توان با فرض موضوعات اجتماعی به‌عنوان بستر آفرینش آنها بررسی کرد. ادبیات فارسی نیز از این امر مستثنی نیست. یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادبی که مسائل اجتماعی را به نقد می‌کشد، ادبیات انتقادی است و خود شامل انواع مختلفی، چون هزل، هجو و طنز است. این نوع ادبی علاوه بر انتقاد از وضعیت سیاسی-اجتماعی، به توصیف و بزرگداشت ارزش‌های متعالی فراموش شده و گاه به ارائه راهکارهایی جهت رفع معایب و کاستی‌های موجود نیز می‌پردازد. در دوره معاصر، طنز که به‌ویژه از عصر مشروطه بدین سو کارکردی اجتماعی یافته، مهم‌ترین گونه ادبیات انتقادی محسوب می‌گردد.

طنز از یک‌سو نمودار شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و از سوی دیگر، گزارشگر نگرش و باورهای طنزپرداز و موضع او در برابر این شرایط است. بنابراین، شناخت علل و انگیزه‌های طنز در هر دوره‌ای ارتباط مستقیم با شناخت جامعه‌ای دارد که اثر طنزآمیز در آن پدید آمده است؛ زیرا این شرایط اجتماعی است که طنزپرداز را به خلق طنز وامی‌دارد. برگسون در تبیین ارتباط بین طنز و جامعه می‌آورد: «برای درک خنده باید آن را در بستر محیط طبیعی‌اش قرار دهیم و این محیط، خود جامعه است و مهم‌تر از همه باید سودمندی کارکرد آن را تعیین کنیم؛ کارکردی که قطعاً اجتماعی است» (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۳).

سید غلام‌رضا روحانی (۱۲۷۶-۱۳۶۴) متخلص به «اجنه» بعد از ابوالقاسم حالت، یکی از موفق‌ترین طنزسرایان معاصر ایران است. غالب اشعار او از نظر تاریخی مربوط به اواخر دوره قاجاریه و اوایل پهلوی اول است و بسیاری از مشکلات و نابه‌سامانی‌های اجتماعی این دوره در شعر او منعکس شده است. دوران زندگی و طنزپردازی روحانی مربوط به دوره‌ای است که در کمتر از نیم‌قرن، جامعه ایران هم مسائل و مصائب گوناگون و هم تغییرات بنیادینی را از سر گذرانده است؛ همچون جنگ جهانی اول، انقراض سلسله قاجار و انتقال حکومت به دودمان پهلوی، ظهور رضاخان و اقدامات نوسازی پرشتابش و در نهایت، جنگ جهانی دوم. از این رو، این پژوهش درصدد است تا

برخی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های طنز روحانی و عناصر زبانی و بیانی که به بازتاب هنری و تأثیرگذاری طنزهای وی کمک می‌کنند، تجزیه و تحلیل کند، و به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- درون‌مایه‌های غالب در طنزهای روحانی کدام‌اند؟
- نگرش شاعر نسبت به مسائل اجتماعی چگونه است و با چه عناصر و شگردهای زبانی آنها را بیان کرده است؟

پیشینه پژوهش

در مورد غلامرضا روحانی به ویژه بررسی درون‌مایه‌های اشعار طنز او تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما در اکثر کتاب‌های مربوط به طنز از روحانی سخن گفته شده است؛ همچون «طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب»، از فرجیان و نجف‌زاده بارفروش (۱۳۷۰)؛ نویسندگان در این کتاب تنها به شرح زندگی روحانی اکتفا نموده‌اند. همچنین عمران صلاحی (۱۳۸۲) در «خنده‌سازان و خنده‌پردازان» و حسن جوادی (۱۳۸۴) در تاریخ طنز، ضمن اشاره به فرازهایی از زندگی روحانی، ویژگی‌های زبانی و شعری طنز او را به اختصار بررسی کرده‌اند. در میان پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که تاکنون نگاشته شده‌اند، تنها یک پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد به طنز غلامرضا روحانی پرداخته است: بیات (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی شیوه‌ها و شگردهای طنزپردازی»، آثار فریدون توللی، رهی معیری و غلامرضا روحانی، در بخشی از فصل سوم، شیوه‌های طنزپردازی روحانی را به صورت بسیار کلی مطرح کرده و بدون هیچ‌گونه توضیحی تنها به نقل یکی دو بیت در ذیل هر آرایه بسنده نموده است. تفاوت پژوهش حاضر با موارد یادشده، تحلیل درون‌مایه طنزهای روحانی و نحوه بازتاب مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه در اشعار اوست.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی، شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و واحد تحلیل، اشعار و ابیات طنزآمیز روحانی است. در این پژوهش بعد از مطالعه منابع مربوطه،

اشعار طنزآمیز روحانی مورد بررسی قرار گرفت؛ موضوعات و مضامین پرکاربرد استخراج، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شد. نسخه‌ی مورد استناد در این تحقیق عبارت است از: - روحانی، غلامرضا (۱۳۴۳)، کلیات اشعار و فکاهیات روحانی.

ذکر این نکته نیز لازم است که در این پژوهش کلیه‌ی اشعار روحانی مورد بررسی قرار گرفته است و تنها فصل ششم کتاب مذکور با عنوان اشعار جدی در این بررسی لحاظ نشده است.

بحث و بررسی

پیش از بررسی درون‌مایه‌هایی که در طنز روحانی بازتاب یافته‌اند، ضروری است تا برخی از عناصر زبانی و بیانی که شاعر به منظور بازتاب هنری و تأثیرگذاری بیشتر درون‌مایه‌های طنزش بر مخاطب به کار گرفته تحلیل شوند.

الف. واژگان

واژه‌های اشعار روحانی بیشتر محاوره‌ای و متعلق به توده مردم است. تعیین واژه‌های پربسامد طنزهای روحانی، به خاطر ماهیت شعر و به‌ویژه درون‌مایه‌های مختلف طنز، کار آسانی نیست؛ اما می‌توان گفت که این واژه‌ها اساساً واژه‌هایی هستند که انتقال اوضاع سیاسی، اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی را برعهده دارند و می‌کوشند تا آثار جان‌گزای فقر، گرانی، جنگ، خون‌ریزی، عقب‌ماندگی، غرب‌زدگی، مشکلات زنان، تظاهر و ریا و... را به توصیف و تصویر بکشند. در سطح توصیف می‌توان مباحث زیر را درباره واژگان مطرح کرد:

۱- باهم‌آیی

باهم‌آیی و همنشین‌سازی واژه‌های یک حوزه معنایی تا حدودی با مراعات‌نظیر در بدیع قابل انطباق است (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۳۸). در این روش میان کلمات، هارمونی یا تناسب معنایی ایجاد می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۱۵). روحانی به کمک باهم‌آیی واژگانی، هم‌فضای طنزآمیز خلق می‌کند و هم به اشعارش مضامین ایدئولوژیک می‌بخشد. او در ابیات زیر به وسیله باهم‌آیی واژه‌هایی چون مرتع، خر، چرا، گاو و گوساله، از آنها برای مفاهیم نمادین نیز استفاده کرده و با ایجاد اجتماع نقیضین میان بندگی گاو برای گوساله، آن هم گوساله‌ای که به خدمت خر درآمده، نه تنها فضای طنزآمیز آفریده، بلکه خواننده را نیز به تفکر واداشته است:

به مرتعی که خری چند هم‌چرا باشند ز حرص در پی آزار هم چرا باشند
ز من به سامری خر بگو که مردم گاو هنوز بنده گوساله شما باشند
(روحانی، ۱۳۴۳: ۴۱)

چنان‌که در ابیات زیر نیز با ترفند باهم‌آیی واژگانی از ردهٔ دد و دام و پرندگان و متعلقات آنها، ضمن طنزپردازی و زیباسازی، عقب‌افتادگی فرهنگی و جهل و نادانی مردم را به انتقاد می‌گیرد:

زن همسایه ما جنبل و جادو دارد پیه گرگ و دل شیر و سم آهو دارد
(همان: ۵۶)

گونه‌های دیگری از باهم‌آیی واژگانی در طنزهای روحانی عبارتند از:

- خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، مانند سمنو، سوپ کلم، آش کدو، برگ هلو، کمپوت هلو، بادهٔ گلگون و آب لبو (همان: ۵۱-۵۲). شاید بتوان یکی از دلایل کاربرد این دسته از واژه‌ها را پیامدهای ناگوار ناشی از جنگ جهانی دانست که فقر و گرسنگی و به استهزا گرفتن آرزوی غذای لذیذ و شکم سیر می‌توانست از مضامین پرمخاطب طنز و طنزپردازان و نیز اظهار نارضایتی از وضعیت موجود باشد.
- واژه‌های مربوط به اعتیاد، مانند قلیان، قلیان‌کش، قلقل قلیان، دود، تنباکو، توتون، افیون و بنگ (همان: ۵۳) که حکایت از ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌های فرهنگی و اخلاقی، اضمحلال عقل و رواج دیوانگی‌ها و سطحی‌نگری‌ها دارد.

۲- روابط معنایی

از میان روابط معنایی اصلی یعنی هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی، نوع اخیر بیشتر در طنز کاربرد دارد. کاربرد واژه‌های دارای تضاد معنایی در طنز، قابلیت به چالش کشیدن بسیاری از تبعیض‌ها و تضادهای سیاسی-اجتماعی را دارد و جهان‌بینی، ایدئولوژی و اهداف گوینده را شفاف‌تر به تصویر می‌کشد. به عنوان مثال، روحانی در ابیات زیر با ایجاد تضاد میان اروپایی و افیونی، خاک و افلاک، علم و صنعت، چرس و تریاک، طنزی تلخ می‌آفریند و در آن تفاوت سیر و سفر اروپایی با ایرانی به آسمان/فلک را به استهزا می‌گیرد. اوج طنز در سیر به آسمان یکی با علم و صنعت و دیگری با چرس و تریاک است که واقع‌گرایی، اندیشمندی، تعهد و تلاش آن یکی را در مقابل

توهم، خیال‌پردازی، بی‌تفاوتی و تنبلی این دیگری قرار می‌دهد و در نهایت اسباب پیشرفت آن و عقب‌ماندگی این را به نقد می‌کشد:

اروپایی اگر از صفحه خاک نهد از علم و صنعت پا به افلاک
از او کم نیست افیونی که دائم کند سیر فلک با چرس و تریاک
(روحانی، ۱۳۴۳: ۷۷)

شاعر در بیت زیر میان آخور و جیب، نقل و نبات و پشکل، تضاد ایجاد کرده و با این شگرد، تضاد طبقاتی، رانت‌خواری و پارتی‌بازی و در نتیجه رفاه و ثروت بادآورده عده‌ای با زحمت شبانه‌روزی و فقر و بدبختی عده‌ای دیگر را در برابر هم قرار داده و چون آزادی انتقاد صریح از عوامل بی‌عدالتی اجتماعی را ندارد، غنا و فقر این دو دسته را به فلک نسبت می‌دهد. اما با کاربرد واژگان منفی «ریخت و آخور» که افراد «یک دسته» را تلویحاً به «حیوانات» همانند کرده، نشان می‌دهد که گفتمان و سیاست‌های اقتصادی و مدیریتی حاکم بر جامعه را قبول ندارد:

ریخت در آخور یک دسته فلک نقل و نبات جیب یک دسته دگر بین که پر از پشگل کرد

(همان: ۴۶)

همچنین ر.ک: (همان: ص ۶۵، ب ۱۸؛ ص ۷۵، ب ۱۲؛ ص ۲۸۱، ب ۱۴ و ۱۵).

رابطه هم‌معنایی نیز در اشعار روحانی دیده می‌شود. در هم‌معنایی، برخی از کلمات تقریباً معنای یکسانی دارند و می‌توانند برای تأکید بر نوعی نگرش خاص به کار روند. به عبارت دیگر، کاربرد شمار زیادی از کلمات تقریباً هم‌معنا در متن، نشان‌دهنده شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت است که می‌تواند بیانگر کانون مبارزه‌ای ایدئولوژیک باشد (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۷۶)؛ مثلاً در ابیات زیر، تکرار واژه‌های هم‌معنای پول، دینار، ذهب، اسکناس و زر، به‌ویژه ردیف «پول است پول»، بازگوکننده گسترش روحیه مادی‌گرایی، پول‌پرستی، تغییر ارزش‌های دینی و ملی و دگرگونی مفاهیم ارزشمندی چون «وطن» به «پول»، آن‌هم در نگرش و بینش شیخ و واعظ دینی است که از یک طرف، دال بر عمق واقعیت‌های تلخ اجتماعی و بی‌ارزشی مفاهیم متعالی فرهنگی است و از طرف دیگر، کاربرد برخی دیگر از واژگان، مؤید این نظر فرکلاف است که رابطه هم‌معنایی بیانگر

کانون مبارزه‌ای ایدئولوژیک است (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۷۶):

دین همه دینار شد، مذهب ذهب و آن قوانین و سنن، پول است پول
مسلك حاجی حسین است اسكناس مذهب ملاحسن، پول است پول
(روحانی، ۱۳۴۳: ۸۲)

۳- واژگان محاوره و ترکیبات عامیانه

یکی از سؤال‌هایی که فرکلاف در سطح توصیف و در ارتباط با ارزش رابطه‌ای واژگان مطرح می‌کند، این است که آیا کلماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره‌ای باشند (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۷۰). طنزپرداز برای انتقال پیام خود به مخاطبان، بیشتر به کاربرد واژگان، ترکیبات، لحن عامیانه و محاوره‌ای متمایل است تا کلمات رسمی. واژگان، تعبیرها و اصطلاحات، تصویرها و تمثیلات روحانی، اساساً محاوره‌ای و مردمی هستند و این موضوع، یکی از ویژگی‌های سبکی طنزهای او محسوب می‌شود و روحانی را به شاعر مردمی تبدیل می‌کند. به تعبیر فرکلاف نیز گزینش چنین واژه‌هایی بیانگر هم‌سویی شاعر با مردم است (همان: ۲۷۱). از این رو می‌توان گفت که روحانی با انتخاب زبان محاوره و عامیانه:

۱. طیف‌ها و طبقات مخاطب طنز را گسترش می‌دهد.
۲. با طرح مشکلات و مطالبات توده مردم، طنزهای خود را سیاسی-اجتماعی می‌کند.
۳. روشن‌فکران و خواص را با وضعیت زندگی و خواسته‌های عامه مردم آشنا می‌کند.
۴. چون یکی از ویژگی‌های واژگان عامیانه، جنبه عاطفی و خودمانی آن است، می‌تواند از تلخی و گزندگی طنزها بکاهد. از این رو انتخاب زبان محاوره و عامیانه هم جنبه گفتمانی آن را پررنگ‌تر و تحمل‌پذیرتر می‌کند و هم مخاطبان آن را افزون‌تر.

به هر حال واژگان محاوره را در طنز روحانی می‌توان در چند سطح بررسی کرد:

الف) واژه‌های عامیانه: هفهفو (روحانی، ۱۳۴۳: ۶)، بنجول (همان: ۱۶)، قلچماق (همان: ۲۹)، اردنگی (همان: ۵۶)، دبنگ (همان: ۱۵۰)، لولو (همان: ۱۵۲)، منگ (همان: ۱۸۸)، قِر (همان: ۲۰۷)، چاییدن (همان: ۲۱۲)، لمیدن، چپانیدن (همان: ۲۱۸)، داش (همان: ۲۱۹) و....

این کند گریه که من دامن و زاکت خواهم آن کند ناله که کی گیوه و تنبان برسد
(روحانی، ۱۳۴۳: ۴۸)

ب) ترکیبات عامیانه: برو بیا (همان: ۱۶)، عر و عر (همان: ۳۴)، لب‌ولفچه (همان: ۶۷)،
خرج و برج (همان: ۷۳)، اتل‌متل (همان: ۸۸)، علم‌شنگه (همان: ۹۰)، ال‌ک‌دولک (همان: ۲۱۵)،
یه‌سر دو‌گوش (همان: ۲۷۱) و

شال و پشمینه پیوشند سراپا زن و مرد تا ز سرما همگی حفظ دک‌وپوز کنند
(همان: ۵۷)

ج) فعل‌های مرکب عامیانه: تشر زدن (همان: ۳۸)، پاپوش ساختن (همان: ۷۳)، قمپز
درکردن، جفتک‌زدن (همان: ۹۸)، افاده کردن، قنبرک ساختن (همان: ۱۰۷)، منتر ساختن
(همان: ۲۰۵)، نق زدن، پوک کردن (همان: ۲۸۰) و

در آورم پدرش را و بشکنم قلمش را اگر رقیب بیفتد به کوی یار گذارش
(همان: ۷۳)

۴- نام‌دهی

نام‌دهی یا اسم‌گذاری یکی دیگر از موضوعات سطح توصیف است. منظور از شیوه
نام‌دهی این است که نشان داده شود چگونه نویسندگان مختلف از امکانات واژگانی که
زبان در اختیار آنها می‌گذارد، برای نامیدن گروه‌های خودی و گروه‌های غیر خودی بهره
می‌گیرند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۲۷). شاعر یا نویسنده به کمک القاب و عناوینی که به
شخصیت‌ها و تیپ‌ها نسبت می‌دهد، از لحاظ سیاسی-اجتماعی یا ایدئولوژیک، اشعارش
را نمادین می‌سازد و دیدگاه‌های خود را آزادتر بیان می‌کند.

هر چند روحانی فضای اشعارش را با این شگرد، طنزآمیز کرده و دیدگاه‌های خویش
را صریح‌تر بیان می‌کند، عیب آن این است که طنز در اینگونه موارد به هجو نزدیک
می‌شود و ارزش و رسالت اصلاح و سازندگی‌اش را خدشه‌دار می‌گرداند. القاب و عناوینی
مانند بوزینه‌الممالک (همان: ۲۵۳)، نکبت‌الملوک (همان: ۲۸۰) و اضافه‌ها و صفت‌هایی چون
چهره‌میمون (همان: ۲۶۳) و اروپایی‌گدا (همان: ۵۴) از این شمارند. به عنوان نمونه، از
جمله موضوعاتی که روحانی در آن بیشترین لقب‌ها و صفت‌ها را به کار می‌برد، هنگام
انتقاد از تجدد ظاهری و غرب‌گرایی افراطی است که شاعر بر اساس طرح ذهنی خویش،

القاب، عناوین و اسامی دینی- مذهبی‌ای را با پسوندها و به صورتی می‌آورد که تعلق آنها به اقشار پایین جامعه را نشان می‌دهد و در ادامه شیفتگی آنان به مظاهر فریبنده فرنگ و ناآگاهی‌شان از فرهنگ ایرانی- اسلامی را توصیف می‌کند؛ مثل دده رقیه (روحانی، ۱۳۴۳: ۴)، ربابه‌شله (۵۵)، صغری کچله و شاباجی شله (۱۰۰)، فاطمه کوره (۲۴۹).
سکینه باجی شده شیک و فرنگی‌مآب فکنده چادر ز سر گرفته از رخ نقاب
چهره میمون خود کرده برون از حجاب تا به میان زنان به پا کند انقلاب
(همان: ۲۴۸)

ب. عناصر بلاغی

صناعات بلاغی غالباً تابعی از محتوای متن هستند و عمیقاً در شکل دادن به واقعیات دخالت دارند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۶۰). این صنایع می‌توانند نمودهایی از موضع‌گیری له یا علیه گروه‌های اجتماعی باشند، به بیان دیگر، بسیاری از عناصر ادبی نیز می‌توانند متغیرهای ایدئولوژیکی باشند. مطالعه بلاغی گفتمان ایدئولوژیکی روی صنایع سبکی‌ای تمرکز می‌کند که می‌توانند برای تأکید بر ویژگی‌های مثبت و خوب گروهی از افراد جامعه (=ما) و ویژگی‌های منفی و بد گروهی دیگر (=آنها) و یا برعکس به کار گرفته شوند (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۸۲). برخی از عناصر بلاغی و ادبی طنزهای روحانی عبارتند از:

۱- تشبیه

از مهم‌ترین تصاویری است که بیانگر نوع نگرش و دنیای ذهنی شاعر است. صناعات شعری در بلاغت سنتی باید در خدمت معنا باشد و بر اقتدار آن بیفزاید و به نفوذ و تثبیت آن در ذهن و ضمیر مخاطب کمک کند و از میان آنها نقش تشبیه در توضیح و تبیین اندیشه پررنگ‌تر است (فتوحی، ۱۳۸۶: ۸۹).

تشبیه در طنزهای روحانی یکی از مهم‌ترین عناصر بلاغی است. او با توجه به وضعیت سیاسی- اجتماعی و اهداف اصلاح‌گرانه‌ای که مد نظر دارد، حوزه‌ها، عناصر و طرفین تشبیه را تعیین می‌کند. از این‌رو تشبیهات او غالباً از حوزه حیوانات است و مهم‌ترین انگیزه‌های آن را از نظر گفتمانی می‌توان چنین برشمرد:

۱. به سبب حضور و تأثیر حیوانات در زندگی انسان‌ها، قابلیت کنشگری آنان برای گفتمان انتقادی بالاست.

۲. چون اساساً یکی از شگردهای طنزپردازی اغراق برای بزرگداشت یا خوارداشت

کنشگران اجتماعی یا عاملان سلطه و قدرت است، حیوانات مختلف می‌توانند نماد کنشگران و طبقات اجتماعی قرار گیرند.

۳. چون یکی مهمترین آماج طنز، صاحبان قدرت است و لازمهٔ پرداختن به آن، ایجاد مصونیت نسبی برای طنزپردازان است، نقل مسائل و موضوعات سیاسی-اجتماعی از زبان حیوانات یا انتساب آنان به حیوانات، مصونیت مورد نظر را تأمین می‌نماید.

بنابراین روحانی در طنزهای تشبیهی خویش با همانندسازی آماج طنز به یک حیوان، او را به غایت درجه تحقیر می‌کند و با بزرگ‌نمایی ویژگی‌های اخلاقی ناپسندش او را به استهزا می‌گیرد. یکی از آماج‌های طنز روحانی در این نوع تشبیه، واعظان مردم‌فریب و زاهدان ریاکارند که شاعر با تشبیه مکرر آنان به حیوانات و حشرات حقیر و مزاحمی چون پشهٔ مالاریا و خرمگس، نفرت و انزجار خود را نشان می‌دهد:

واعظ مردم‌فریب خرمگس معرکه است زاهد رو در ریا پشه مالاریاست
(روحانی، ۱۳۴۳: ۲۹)

همچنین شاعر با کاربرد ترکیب تحقیرآمیز «یک دسته نر و ماده» برای متجددان افراطی و ظاهرین و تشبیه رقص آنها به رقص «شتران»، آنان را به مرتبهٔ حیوانی فرومی‌کشد:

چسبیده به هم دیدم یک دسته نر و ماده کاندر وسط مجلس رقصند چو اشترها
(همان: ۳)

نمونه‌های دیگر عبارتند از: تشبیه ایرانیان مقلد به بوزینه (همان: ۷۹)، متجددان به خر (همان: ۴۲)؛ زنان و مردانی که ناخن خود را با مدگرایی بلند می‌کنند به پلنگ (همان: ۷۹)؛ انسان‌های بدزبان به عقرب و زنبور (همان: ۵۱)؛ زنانی که تنها هنرشان رقص و شنا با نامحرمان است به بوزینه و غاز (همان: ۵۹)؛ مال مردم‌خور به فیل و شتر (همان: ۱۰۷) و ...
آنچنان که از شواهد یادشده دریافت می‌شود، تشبیه در طنزهای روحانی در خدمت مقاصد اجتماعی است و طرفین تشبیه نیز غالباً اشخاص یا پدیده‌های مطرود و منفور نامحبوبند و وجه‌شبه هم بیشتر دال بر زشتی و پلشتی کارکرد آنهاست؛ مثلاً شیخان و ملایان ریاکار، متجددان تازه به دوران رسیده و زنان بی‌عفت، یکی از طرفین تشبیه و

کنشگران گفتمان در طنزهای روحانی‌اند. شاعر با تشبیه آنها به حیوانات، مخالفت خود را با ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های غالبی چون غرب‌زدگی، عقب‌ماندگی و زهد ریایی بیان می‌کند.

۲- استعاره

اینکه شاعر چه استعاره‌هایی را بیشتر به کار می‌برد و چه واژه‌ای را و بر چه اساسی جانشین واژه‌ای دیگر می‌کند، مبتنی بر باورهای بنیادین اوست و از این‌رو استعاره‌های مختلف، معانی ایدئولوژیک متفاوتی دارند. روحانی در طنزهای خود اساساً شاعری تشبیه‌بنیاد است و از استعاره کم استفاده می‌کند. اما همین کاربرد اندک نیز در تعیین جهت‌گیری اندیشه سیاسی و اجتماعی وی تعیین‌کننده است؛ برای مثال شاعر در بیت: دزد غارتگر و بازار عفاف آشفته / شحنه را کاش گذر جانب بازار افتد (روحانی، ۱۳۴۳: ۴۹)

غارتگران بازارِ عفت و حیای زنان ایرانی را «دزد» می‌خواند و در بیت زیر، «جنیان» استعاره از بیگانگانی است که در جنگ جهانی دوم به ایران هجوم آورده و موجب کمبود و قحطی گندم و سایر غلات شدند:

جنیان ریختند و گندم‌ها / غارت از حمله و تهاجم شد
(همان: ۱۸۴)

در بیت زیر نیز «خرس» به قرینهٔ پشمالو، موش و گربه که تلمیحی به داستان عبید زاکانی است، استعاره از زاهدانی است که علاوه بر سالوس و ریا، به آزمندی و رشوه‌خواری نیز آلوده‌اند. شاعر در این استعاره، آماج طنز خود را از حوزهٔ انسان و انسانیت بیرون و وارد دسته حیوانات کرده و ضمن اینکه او را از لحاظ رفتار و کردار، خرس انگاشته، در طماعی چون گربه حقیر و موش (=رشوه) خوار شمرده است: خرس پشمالو به رسم گربه بنگر کز طمع / موش رشوت گاه می‌گیرد گهی ول می‌کند
(همان: ۱۸۴)

همچنین است نهنگان شناور، استعاره از مردم خرافاتی (همان: ۹۲)؛ نار نمرودی، استعاره از جنگ جهانی (همان: ۷۰)؛ کلم، استعاره از ملایان ریاکار (همان: ۱۲۳) و ماهی و آب، استعاره از زنان و جامعه (همان: ۹۲).

۳- کنایه

کنایه، جمله یا ترکیبی است که دو معنی دارد و معنای دوم آن به قرینه لازم و ملزوم دریافت می‌شود. در کنایه از یک سطح به سطح دیگر می‌رسیم. کنایه به عنوان یک صنعت معنایی همچون استعاره و اغراق رابطه نزدیک‌تری با مدل‌های ایدئولوژیک و اعتقادات اجتماعی دارد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۶۱) و بهترین ابزار برای بیان غیرمستقیم مقصود است. از این رو، در طنز نیز که بیان غیرمستقیم نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌های جامعه است، کنایه کاربردی فراگیر دارد و «قوی‌ترین راه برای القای معانی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

در طنز روحانی نیز کنایه و به‌ویژه کنایه از فعل یا مصدر، یکی از پرسامدترین آرایه‌هاست و به خاطر عامیانه بودن زبان که ویژگی بارز اشعار اوست، بیشتر کنایه‌های او نیز از نوع عوام‌فهم هستند. در ذیل به برخی از کنایه‌های طنز روحانی اشاره می‌شود:

الف) کنایه از موصوف: باج سبیل: رشوه (روحانی، ۱۳۴۳: ۸۸)، پرده رنگین: سینما (همان: ۱۴۲)، قوز بالا قوز: مشکل مضاعف (همان: ۱۴۶) و ...

آری آری خود خلاف دین بود پرده رنگین اگر ننگین بود
(همان: ۱۴۲)

ب) کنایه از صفت: خر تو خر: بی‌قاعدگی و قانون (همان: ۳۱)، خشک مغز: تندخو (همان: ۵۳)، بی‌دست و پا (همان: ۹۷)، خداوندان لیره (همان: ۱۲۲)، دولا پهنا (همان: ۲۲۷) و ...
عابد بی‌معرفت سر چو نهد بر سجود سجده او بر زمین سجده پا در هواست
(همان: ۳۰)

ج) کنایه از فعل یا مصدر: تخم دوزرده بودن (همان: ۱۶)، از خر شیطان پایین آمدن (همان: ۳۱)، بوق برداشتن (همان: ۳۸)، خر کردن (همان: ۴۶)، حرف به کله فرورفتن (همان: ۴۸)، دود از کله برآمدن (همان: ۱۱۹)، پوست از کله کندن (همان: ۱۳۳)، مشت بازشدن (همان: ۱۶۳)، غاز چرانیدن (همان: ۱۷۱)، شکر خوردن (همان: ۱۸۹)، به آب باریکه ساختن (همان: ۲۱۰)، خلق را دوشیدن (همان: ۲۲۶) و ...

گر کسی داخل آدم نبود ای زاهد تو مشو خارج از این فکر که خر باید کرد
(همان: ۴۶)

بازنمایی جامعه در اشعار طنز روحانی

یکی از کارکردهای شعر طنز اجتماعی، تصویر کردن زمانه زیست شاعر و نحوه زندگی مردم جامعه اوست؛ به بیان دیگر، در این نوع شعر، تاریخ از جهات مختلف، از صافی ذهنی و بینشی شاعر می‌گذرد و در اثر هنری ثبت می‌شود. روحانی نیز زمانه خود را از ابعاد مختلف توصیف کرده که در ذیل به آن می‌پردازیم:

مهم‌ترین درون‌مایه های طنز روحانی را می‌توان به قرار ذیل مورد بررسی قرار داد:

۱- وضعیت محیطی

یکی از ویژگی‌های مهم جامعه‌شناختی اشعار روحانی، توصیف موقعیت و وضعیت زندگی مردم تهران قدیم است. روحانی در این توصیف‌ها نسبت به کنش و واکنش‌های اجتماعی مردم تهران، نگاه رئالیستی / واقع‌گرایانه و انتقادی دارد و همین دیدگاه انتقادی، او را به طنزپردازی وامی‌دارد:

هست الغرض تهران ما شهری پر از رنگ و ریا خاکش به‌عکس کیمیا پادار را بی‌پا کند...
آن به که روحانی کنون پا بنهد از تهران برون خود را از آن بیرون کند در شهر دیگر جا کند
(روحانی، ۱۳۴۳: ۵۰)

او در برخی از اشعار به محله‌های مختلف تهران مثل قلهک، زرگنده، دزآشوب، تجریش، دربند، نازآباد، دروازه شمیران و چال میدان و... اشاره می‌کند. اما نگاه او به تهران در بسیاری از موارد از سر مجاز جزء به کل و تعمیم کاستی‌ها و نابسامانی‌های آن به شهرهای دیگر است و البته در پاره‌ای از موارد نیز قصد قیاس شهرهای دیگر با تهران یا تهران با دیگر کشورها و بزرگ‌نمایی در کاستی‌ها را دارد. شاعر در طنز زیر، تهران و لندن را با هم مقایسه کرده و پیام ضمنی آن، انتقاد از ساختار و مهندسی شهری نامناسب تهران است:

همچو طهران لندن و پاریس هم بازار دارد حاجی بزاز دارد، سید سمسار دارد...
کوچه‌هایش پیچ دارد، چاله دارد، چوله دارد در سر هر پیچ، یک بقال و یک عطار
چال میدان دارد و سر پولک و دروازه‌شمیران کوچه‌هایی تنگ‌تر از کوچه دردار دارد
(همان: ۳۶)

روحانی در چند مورد، وضعیت حمام‌های تهران را توصیف کرده، بهداشت عمومی

آنها را به سخره گرفته و آن را «حمامی نکبت‌بار و کثیف» (روحانی، ۱۳۴۳: ۵) و «عذابی الیم» می‌خواند (همان: ۱۹۴). بدیهی است که وقتی وضعیت حمام تهران چنین است، وضعیت حمام‌های دیگر شهرها چگونه خواهد بود!

کوچه ما داشت نکبت‌بار حمامی کثیف بوی دود و گند آن در خانه‌ها از بام‌ها...
پا در این حمام‌ها هر کس گذارد تا ابد می‌دهد بر صاحب حمام‌ها دشنام‌ها
(همان: ۵)

آلودگی جوی‌ها و آب‌انبارها و انتقال بیماری‌ها از این طریق، از دیگر موضوعات طنزهای موقعیتی روحانی است. هر چند در دوره پهلوی اول برای دارو و درمان، اقداماتی نظیر ساخت بیمارستان‌ها صورت گرفت، وضعیت بهداشت عمومی و اقدامات پیشگیرانه چندان رضایت‌بخش نبود. مثلاً در شهرها و مناطق مختلف کشور، از جمله مناطق تهران، لوله‌کشی آب شهری انجام نگرفت و در نتیجه آشامیدنی‌ها و خوردنی‌ها همچنان آلوده بودند (میلسپو، ۱۳۷۰: ۵۰) و موجب بروز بیماری‌های گوناگون به‌ویژه سل می‌شدند (روحانی، ۱۳۴۳: ۱۶). از این‌رو روحانی در بیت زیر، ضمن وصف آلودگی آب آشامیدنی، آن را «زهر کشنده» می‌خواند:

فضله سگ در آب جو گر نرود چه می‌رود زهر کشنده در سبو گر نرود چه می‌رود
(همان: ۴۸)

۲- رخدادهای تاریخی

طنزهای روحانی در فاصلهٔ اواخر دوره قاجاریه تا اوایل سلطنت پهلوی دوم سروده شدند و از درون‌مایه‌شان می‌توان زمان سرایش آنها را مشخص کرد، چنان‌که برخی از درون‌مایه‌ها تاریخ‌دارند و می‌توان زمان وقوع آنها را تعیین کرد؛ مانند اشعاری که به تصویب قوانینی چون منع احتکار (همان: ۲۴۶)، منع استعمال دخانیات (همان: ۲۴۶)، لغو القاب (همان: ۱۴۴)، برگزاری نمایشگاه امتعه (همان: ۲۳۷) و برگزاری کنگره نسوان (همان: ۱۰۰) می‌پردازند و شاعر در آنها در حقیقت به تعامل اثباتی یا سلبی با گفتمان حاکم بر جامعه روی می‌آورد و برخی دیگر از درون‌مایه‌ها هم مربوط به دورهٔ زمانی یا روز و سال خاصی نیستند.

۲-۱- کشف حجاب و پیامدهای آن

رضاشاه با همسر و دختران خود در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴، در مراسم جشن

فارغ‌التحصیلی یکی از دبیرستان‌ها در حالتی که حجاب را کنار گذاشته بودند، حاضر شد و در همان‌جا حجاب را ممنوع اعلام کرد و قوانین سختی را برای مبارزه با آن وضع کرد. کشف حجاب بر تعاملات اجتماعی و فرهنگی ایرانیان به‌ویژه زنان، تأثیر چشمگیری گذاشت و در بین شاعران نیز واکنش‌های متفاوتی به همراه داشت. میرزاده عشقی، ایرج میرزا، عارف قزوینی مخالف حجاب بودند و حتی شاعری چون بهار نسبت به کشف حجاب نگاه مثبتی داشت. از سوی دیگر، شاعری مانند نسیم شمال با وجود حمایت از حقوق زنان، در مسئله حجاب پایبند دستور شریعت بود و بین تحصیل علم و پیشرفت و رعایت حجاب، منافاتی نمی‌دید (گیلانی، ۱۳۷۱: ۳۰۹).

روحانی مانند نسیم شمال موافق حجاب است. او در اشعارش صراحتاً از کشف حجاب انتقاد کرده و پیامدهای منفی آن را به نقد کشیده و از همین رهگذر، ویژگی ممتاز زن را نجابت (روحانی، ۱۳۴۳: ۶۰) و حجاب را موجب افزونی زینت و زیبایی زن می‌داند (همان: ۲۶). بدیهی است که سست شدن بنیان خانواده، گسترش فساد و فحشا، بی‌بندوباری، بروز ناامنی ناموسی و اخلاقی از پیامدهای منفی کشف حجاب بود (صلاح، ۱۳۸۴: ۲۲۵) و روحانی نیز در شعر زیر به این موضوعات اشاره می‌کند:

مرد و زن با یک‌دیگر عریان در استخر در شنا بیگانه‌گر بودند گشتند آشنا
نه حیا از بندگان دارند، نه شرم از خدا ز آن‌همه افراط و تفریطی که شد در کارها
..... منتهی آخر به کشف‌العوره شد کشف حجاب

(روحانی، ۱۳۴۳: ۲۴۰)

یکی دیگر از پیامدهای کشف حجاب به‌ویژه در میان زنان، تبلیغ، گرایش و گسترش «انواع مد و گونه‌های تجمل» بود و آنچه در این زمینه مورد توجه قرار می‌گرفت، پیروی از مد روز به‌ویژه مد غربی بود؛ چنان‌که برخی از زنان آن روز خود را ملزم می‌دانستند به هر قیمتی که شده، پا به پای مد روز تغییر کنند، بی‌آنکه به فکر جیب شوهر خود باشند (همان: ۴۵). در اثر کشف حجاب، بسیاری از زنان ایرانی که روزگاری سمبل نجابت و حیا بودند، عمر خود را پشت ویتترین‌های پر زرق و برق می‌گذراندند و به دنبال خرید اشیای لوکس، لوازم آرایشی و خودنمایی بودند. روحانی چنین زنانی را که تنها هنرشان، رقصیدن است و از علم و ادب و حیا در برابر نامحرم بی‌بهره‌اند، بوالهوس می‌خواند و آنها را شایسته نام زن نمی‌داند (همان: ۵۹).

۲-۲- جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن

ایران با شروع جنگ جهانی دوم با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، طی توافقی بین انگلستان و شوروی عملاً ایران به اشغال متفقین درآمد و به خاطر موقعیت استراتژیکی و منابع فراوان، به پلی برای پیروزی متفقین تبدیل شد. این واقعه مسلماً مشکلات فراوانی، مانند کمبود کالا، قحطی و گرسنگی، وحشت و هراس را برای دولت و ملت پدید آورد (روحانی، ۱۳۴۳: ۱۸۴). گرانی قند و شکر (همان: ۹۳)، نرخ‌های چندگانه‌ی کالاها، فراوانی اجناس «جلب» و نبود جنس اصل و ارزان (همان: ۱۲۰)، از دیگر مشکلاتی بود که مردم در جنگ جهانی دوم با آن روبه‌رو شدند.

روحانی در شعری با عنوان «خواب دنباله‌دار»، کشور را در موقعیت ایده‌آل توصیف می‌کند: همه‌چیز بسامان و عالی، نان و گوشت ارزان و با کیفیت، همه‌جا پر از نعمت و فراوانی و بدون احتکار و قحطی و همه در خوشی و خرمی؛ اما به‌ناگاه در پایان شعر روشن می‌شود که شاعر همه را در خواب دیده:

غم مخور زآنکه من به عالم خواب شادی غمگسار می‌بینم...
بس که دنبال هم غذا خوردم خواب دنباله‌دار می‌بینم
(همان: ۹۴)

یکی از پیامدهای ناگوار و اسفناک جنگ جهانی، نبود یا کمبود و کیفیت نامطلوب گندم، آرد و نان بود که مشکلات دیگری همچون احتکار و گران‌فروشی و حتی زدوبندهای سیاسی، مانند بلوای ساختگی ۱۷ آذر را در پی داشت. روحانی در شعر ذیل به شیوه نظیره‌گویی از شعر هاتف اصفهانی، نان و آرزوی دیدن و خوردن آن را به استهزا می‌گیرد:

چشم دل بازکن که نان بینی آنچه ناخوردنی است آن بینی...
نان غذا ساز تا ز دست قضا درد جسم و بلای جان بینی
نان سنگک، لحاف کرسی شد زان سبب قیمتش گران بینی
(همان: ۹۸)

به خاطر کمبود آرد گندم، گاهی آن را با آرد جو یا آرد مواد خوراکی دیگر می‌آمیختند (بولارد، ۱۳۶۴: ۸۹) و گاه پا را از این فراتر گذاشته با خاک اره (مجد، ۱۳۸۷: ۵۶)، تکه‌های نخ و شن‌ریزه و ماسه (میلیسپو، ۱۳۷۰: ۱۵۰) مخلوط می‌کردند:

خورد بس کاه و جو بنی آدم دم درآورد و صاحب سم شد
(روحانی، ۱۳۴۳: ۱۸۴)

۳- وضعیت اقتصادی ایران

در دوره رضاشاه با وجود اقداماتی که در زمینه اقتصادی و صنعتی صورت گرفت، بنا به دلایلی نظیر اولویت صنایع نظامی، بی توجهی به کشاورزی که بخش اعظم مردم کشور در آن فعالیت می کردند، رواج اقتصاد پولی و تورم و... (آوری، ۱۳۶۴: ۲۰)، این اقدامات نتوانست به بهبود وضعیت اقتصادی دولت کمک چندانی کند. در دوره محمدرضا نیز مشکلات اقتصادی فراوانی به مسائل و معضلات جامعه ایران افزوده شد و وضعیت اقتصادی مردم فقیر بدتر شد. از این رو، اوضاع وخیم اقتصادی به ویژه فقر، از جمله موضوعاتی است که غلامرضا روحانی بدان توجه ویژه ای داشته است و از سایرین نیز می خواهد که به حال فقرا نظر کنند:

در سالن سینما مننه پای کانجا همه بهر پول دام است
بر وضع فقیر کن تماشا کاین پرده نکوترین درام است
(روحانی، ۱۳۴۳: ۱۴)

مؤسسات مربوط به امور خیریه که بنا بر سنت اسلامی و به عنوان نهادی برای کمک به قشر بی بضاعت مورد توجه بودند، با روی کار آمدن رضاخان و پشت کردن او به احکام دینی، تضعیف و به تدریج منحل شدند و این امر باعث وخامت هرچه بیشتر اوضاع بینوایان شد (آوری، ۱۳۶۴: ۱۲۲؛ روحانی، ۱۳۴۳: ۲۱۸) و در نتیجه این بی توجهی، گدایی و تکدی گری رواج بیشتری یافت (همان: ۴۱). گرانی و کمبود کالا در بحبوحه تحولات پرشتاب اقتصادی همچنان وجود داشت. سیاست های اقتصادی غلط و افزایش فشار مالیات های سنگین موجب بالارفتن هزینه های زندگی شد (نیک بین، ۱۳۷۱: ۱۴۲) و مثل همیشه قشر کم درآمد جامعه بیشتر آسیب می دیدند (روحانی، ۱۳۴۳: ۲۷). در این باره می توان به وضع مالیات بر چای و قند و شکر با هدف ساخت راه آهن بدون کمک مالی خارجی اشاره کرد که در اسفند ۱۳۰۴ و فروردین ۱۳۰۵ به تصویب رسید (آوری، ۱۳۶۴: ۸۳)؛ طرحی که جز فشار بر دوش طبقات مستمند، نتیجه دیگری در برداشت (بولارد، ۱۳۶۴: ۲۵؛ روحانی، ۱۳۴۳: ۹۳ و ۱۲۰).

دولت پهلوی برای مقابله با وضعیت بد اقتصادی دست به اقداماتی نیز زد؛ تصویب قانون منع احتکار در تاریخ ۱۳۲۰/۱۲/۲۷ از جمله راه‌کارهایی بود که برای بهبود وضعیت مالی کشور صورت گرفت. روحانی در شعری با عنوان «قانون منع احتکار»، ضمن ابراز خوشحالی از وضع این قانون، به توصیف محتکرانی می‌پردازد که شکم‌هایشان را از مال حرام آکنده‌اند و با آتش حرص، خانه بیچارگان را سوختند:

مژده که شد احتکار سوی دیار عدم سوخت دل محتکر ز آتش اندوه و غم...
اشکمشان شد بزرگ ز خوردن مال مفت ز خوردن مال مفت گردنشان شد کلفت
ز دولت احتکار ثروتی اندوختند غله در انبار شد فاسد و نفروختند

(روحانی، ۱۳۴۳: ۲۴۷)

اما برخلاف انتظار شاعر، این قانون در عمل به درستی اجرا نشد و محتکران همچنان به کار خود ادامه می‌دادند و با جمع‌آوری و احتکار اجناس مورد نیاز عمومی، قیمت‌ها را بالا می‌بردند (بولارد، ۱۳۶۴: ۹۰). بنابراین شادی شاعر چندان نپایید.

از اقدامات دیگری که در این زمینه صورت گرفت، می‌توان به حمایت از اقتصاد و کالای ملی اشاره کرد. وضع قانون استعمال البسه وطنی در سال ۱۳۰۱، اعمال سیاست‌های مالی و گمرکی و تبلیغاتی، برگزاری نمایشگاه‌هایی برای ترویج کالای ایرانی به خواسته تجار ایرانی، مبنی بر حمایت‌های دولتی پاسخ داد (ترابی، ۱۳۸۰: ۳۸؛ روحانی، ۱۳۴۳: ۲۳۹ و ۲۵۵). همچنین چون بسیاری از مردم آزاداندیش به این مسئله توجه ویژه‌ای داشتند، روحانی به هم‌وطنانش توصیه می‌کند که اگر خواهان پیشرفت ایران و رهایی آن از وضع بد اقتصادی هستند، به جای استعمال کالاهای خارجی، به کالاهای ایرانی روی آورند:

تا که می‌بافند در این ملک کرباس و کتان جامه خود را ز کرباس و کتان خواهم گرفت...
چای چینی مفت اگر باشد نمی‌خواهم ولی چای لاهیجان ولو باشد گران خواهم گرفت

(روحانی، ۱۳۴۳: ۱۸)

اما او چون در فرایند حمایت از تولیدات داخلی از تقلب اقتصادی و سوءاستفاده و سودجویی بازاریان باخبر است، تذکر می‌دهد که اگر نتیجه حمایت از تولیدات داخلی، تقلب و گران‌فروشی است، «متاع خارجه صدبار بهتر از وطنی» (همان: ۱۲۱).

- شرایط اجتماعی

روحانی از جمله طنزپردازانی است که کمتر به مسائل سیاسی توجه داشته و بیشتر به موضوعات اجتماعی پرداخته است. وضعیت اجتماعی را می‌توان در محورهای زیر بررسی کرد:

الف) دوره رضاشاه را غالباً به عنوان عصر اصلاحات و تغییرات اجتماعی توصیف کرده، گاه ستوده و گاهی نیز به انتقاد گرفته‌اند. سیر تحولات و نوسازی که از پیش از مشروطه آغاز شد، در دوره پهلوی اول به‌ویژه پس از سفر رضاشاه به ترکیه، شتاب روزافزونی گرفت. برداشت اشتباه روشن‌فکران از مدرنیته و تجدد و مساوی‌پنداشتن آن با بی‌دینی و نفی همه سنت‌ها، به رضاشاه فرصت داد تا بر طبل بی‌دینی بکوبد و به اقداماتی چون کاهش قدرت روحانیون، تبدیل تقویم قمری به شمسی، راه‌اندازی کارناوال‌های شادی در ماه محرم (مکی، ۱۳۶۳: ۴۵۲) و کشف حجاب اجباری دست یازد. این اقدامات، بازتاب‌های اجتماعی گسترده‌ای داشت و روحانی نیز آنها را دست‌مایه طنزهایش ساخته، چنان‌که در انتقاد از تقلید در مدگرایی گوید:

ایرانیان به هرچه که باشد مد و جدید تقلید می‌کنند چو بوزینه بی‌درنگ...
گر قوز مد شود همه بر پشت می‌نهند چیزی شبیه قوز جوانان غول‌دنگ
(روحانی، ۱۳۴۳: ۷۹)

روحانی فقط از تقلید در مد انتقاد نمی‌کند، بلکه در حوزه صنعت و فناوری نیز بر آن است که میل تشبّه ایرانیان به غربیان، موجب غفلت آنان از مشکلات اقتصادی و رواج کالاها و تولیدات غربی و خروج ثروت کلان از ایران شد:

هی آمد از فرنگ مد تازه بار بار هی رفت در مقابل آن لیره چنگ چنگ
(همان)

و تجدد «کلاه بزرگی» بود که مثل همیشه بر سر ایرانیان می‌رفت و آن همه واردات رنگارنگ، تزویر و نیرنگ و به عبارت دیگر «پلتیک» غرب، برای عقب‌مانده نگه‌داشتن ایران بود (همان: ۲۳۹) و در این میان تجار وطن هم در خروج ثروت از کشور و واردات اجناس مصرفی بی‌ارزش مثل لوازم آرایش، نقش شریک غربیان را بازی کردند:

کز غرب به‌جای علم و صنعت آرنند به شرق پودر و ماتیک
(روحانی، ۱۳۴۳: ۲۱)

علاوه بر مد و مصرف‌گرایی، رواج فساد و فحشا و لابلالی‌گری به‌ویژه در میان جوانان از دیگر پیامدهای تجدد رضاخانی بود. بدفهمی مردم از معنای تجدد و پیشرفت، باعث بی‌اعتنایی و بی‌اعتباری سنت‌های دینی و حتی ملی در جامعه شد و با فروکش کردن گرایش به آموزه‌های دینی، حمیت و غیرت نسبت به عفت و ناموس اندک‌اندک کاهش یافت (همان: ۲۴۰) و «دیانت که اساس اخلاق است، از قلم افتاد. اوامر منسوخ، نواهی رواج یافت. مشتریان فواحش میدان یافتند... این نوی‌ها سوغات مسافرت ترکیه بود و سبب نفرت عقلا شد» (هدایت، ۱۳۶۳: ۱۳۶). از این‌رو روحانی، متجددان را فاسد و سبب فساد اخلاق خلایق می‌داند:

تو فاسد و فاسد ز تو اخلاق خلایق حیف است که گویم بشری ای متجدد
(روحانی، ۱۳۴۳: ۴۳)

و آنان را منشأ شرارت روی زمین و کهنه‌پرستان را بهتر از متجددان انگاشته و می‌گوید:
قربان سر همچو خر کهنه‌پرستان صدها سر همچون تو خری ای متجدد
(همان)

ب) از دیگر درون‌مایه‌های اجتماعی اشعار طنزآمیز روحانی، «زن» و مسایل مربوط به اوست. او نسبت به زن دیدگاه متنوعی دارد. هر چند رگه‌هایی از نگاه سنتی در اشعارش دیده می‌شود، در غالب موارد نظرهای مثبت و منصفانه‌ای ابراز می‌کند و از خلال اشعارش می‌توان به نوع نگاه جامعه آن روز به «زن» پی برد. در ادامه به مهم‌ترین این مسائل پرداخته می‌شود.

ب-۱) جایگاه زن و مرد: روحانی از جمله شاعرانی است که بارها به موضوع تساوی مرد و زن اشاره می‌کند و اعتقاد به ارجحیت مرد بر زن را به نقد می‌کشد. آنچه او در این زمینه بیان می‌کند، غالباً منطبق با آموزه‌های دینی است. از نظر او زن و مرد، هر دو نزد خدا یکسانند و به یک اندازه از رحمت حق بهره‌مندند (همان: ۱۶۵)؛ آنان دو بالی هستند که تنها به شرط برابری، توان پرواز و رسیدن به اوج را دارند (همان: ۱۹۳) و این

تنها تقوا، فضایل اخلاقی و معنوی است که موجب برتری انسان‌هاست، نه جنسیت آنها: یکسان ز فیض دانش و دین است مرد و زن ورنه ز دام کمتر و با دد برابر است (روحانی، ۱۳۴۳: ۲۲)

ب-۲) گسترش فرصت‌های آموزشی و شغلی زنان: اشعار روحانی موافق گفتمان متجدد زمان خود، مبنی بر تحصیل و اشتغال زنان است. او در شعری با عنوان «گرفتار زن»، ابتدا از گرفتاری خود در اداره در بین سه کارمند زن گله می‌کند، اما در پایان نظرش را اینگونه تغییر می‌دهد که زنان تا پیش از این به خاطر مشکلات جامعه گرفتار جهل و نادانی بودند و نمی‌توانستند چون مردان به تحصیل کمال بپردازند، اما اکنون زمانه عوض شده و زنان می‌توانند با حفظ عفت و ناموس از علم و هنر بهره ببرند:

بانوانی که به دانش سمرند همه دارای کمال و هنرنند
چون دم از عفت و ناموس زنند بر سر بام شرف کوس زنند
(همان: ۱۶۵)

به اعتقاد روحانی «ظلمتکده جهل» و نادانی، زندان زنان است و تنها با «روشنی دانش» می‌توان از آن رهایی یافت (همان: ۱۰۰). همچنین او هر چند بر آن است که زن باید «ادب‌پیشه و دانا و هنرور باشد» (همان: ۶۰)، یادآور می‌گردد که مقام مادری ایجاب می‌کند، زن قبل از هرگونه تربیتی به «تربیت روحانی» آراسته شود:

به ز هر تربیتی، تربیت روحانی است بهر دختر، چه که در آتیه مادر باشد
(همان: ۶۰)

بنابراین روحانی گفتمان اجتماعی دفاع از حقوق زن در تحصیل و اشتغال را به شرط رعایت و حفظ عفت و نجابت می‌پذیرد (همان: ۶۰ و ۱۶۵).

ب-۳) ازدواج و تشکیل خانواده: طنزهای روحانی، گفتمان‌های متفاوت درباره ازدواج و خانواده را به چالش می‌کشد. برای مثال بارها از ددرسرهای زن و فرزند شکایت می‌کند و مرد بی‌زن را آزاد و رها از رنج و غم (همان: ۴۴) و به‌ویژه رنج بچه‌داری (همان: ۵۶) می‌داند. از دید او نیش زبان زنان از نیش عقرب جرّاره‌گزنده‌تر (همان: ۵۶) و جنگ بین زن و شوهرها از جنگ‌های بین‌المللی نیز دشوارتر و تاریخی‌تر (همان: ۵۴) است. با

این اوصاف، تجرّد را رد می‌کند و ازدواج را برای همه مردان لازم می‌داند (روحانی، ۱۳۴۳: ۲۰۶)؛ زیرا ازدواج موجب بهنجار شدن رفتار مردان شده، آنان را از ولنگاری و ولخرجی بازداشته، سبب می‌شود به جای صرف پول برای «قر یار و قمار»، آن را هزینه خانواده‌شان نمایند (همان: ۱۰۱). پایبندی شاعر به ازدواج به حدی شدید است که آرزو می‌کند کاش ازدواج اجباری شود.

ای کاش زن گرفتن اجرا شود به اجبار تا داش ابول بگیرد زن بهر خود به‌ناچار
پابست در تأهل گردند خلق بی‌عار ناموس مردم ایمن گردد ز خیل اشرا
(همان: ۲۵۳)

روحانی، تعدد زوجات را ناپسند شمرده و جز در شرایط خاص قبیح می‌داند. موضوع تعدد زوجات، از جمله موضوعاتی که در ادبیات پس از مشروطه بدان توجه زیادی شده و شاعرانی چون بهار و نسیم شمال رسم چندزنی را نکوهیده و به طرح دردسرهای آن پرداخته‌اند. روحانی نیز در چند مورد به این مسئله توجه کرده و همتایان خود را از ازدواج مجدد برحذر داشته است (همان: ۲۸ و ۱۱۵):

با مرد دوزن برگو سرکردن با یک زن مردان موحد را باشد ز دو تا خوش‌تر
(همان: ۶۵)

از نظر او نفرت زنان از «هوو» و میل به رهایی از مزاحمت‌های او، آنان را به انتقام، زور و به‌ویژه جادو و جنبل وامی‌دارد:

دهد به خورد تو هر زن هزار گونه کثافات برای آنکه تو را افتد از نظر زن دیگر
(همان: ۶۳)

ب-۴) وضعیت کار و استخدام: افزایش جمعیت و بیکاری، از مشکلات بزرگ اجتماعی-اقتصادی دوره روحانی بود:

کشت روحانی، ما را غم بیکاری مردم در محیطی که به جز مردم بیکاره ندارد
(همان: ۵۶)

و «عمده نیروهای بیکار را کشاورزانی که به علت تغییرات در شکل و ساخت زمین‌داری از خانه و کاشانه خود رانده شده بودند و پیشه‌ورانی که به دلیل هجوم سرمایه و کالای

خارجی ورشکسته بودند، تشکیل می‌دادند» (ازغندی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۴۵). تأسیس کارخانه‌ها نیز به دلیل به کارگیری کارشناسان بیگانه در کاهش نرخ بیکاری تأثیر چندانی نداشت. همچنین ماشینی شدن بسیاری از کارها و ناآشنایی مردم عادی با شیوه کار با دستگاه‌های جدید، دلیل دیگری برای افزایش نرخ بیکاری بود و انتقاد از بیکاری و به سخره‌گیری ناتوانی دولت‌مردان در ایجاد اشتغال، از دیگر درون‌مایه‌های طنز روحانی است:

کار تحریر به ماشین افتاد تا شود میرزا قلمدان بیکار
بس که ماشین کشد از کوره به شهر گچ و آجر، شده حیوان بیکار
کار قحط است که ول می‌گردند نیمی از مردم طهران بیکار
(روحانی، ۱۳۴۳: ۶۳)

عدم انگیزه جوانان برای ادامه تحصیل و ناامیدی از اشتغال به‌ویژه دشواری مراحل پیش از استخدام، استخدام قراردادی، «پارتنری‌بازی» و رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی از مشکلات اجتماعی عصر روحانی است (آوری، ۱۳۶۴: ۸۰؛ روحانی، ۱۳۴۳: ۳۱، ۱۰۵ و ۲۰۳). از طرف دیگر به اعتقاد شاعر، ادارات نیز به دلایل متعدد و مختلف به محل دفع‌الوقت (همان: ۱۰۴)، کاغذبازی و فریب‌کاری تبدیل شدند:

اداره کارگاهی بس شگرف است برای صنعت پرونده‌سازی
صف اندر صف در آنجا کارمندان همه استاد در قرطاس بازی
(همان: ۱۰۹)

و کارمندان نیز یک مشت مردم مقروض و بدهکار به بانک هستند (همان: ۱۰۴)، تا جایی که اثاثیه زندگی‌شان در گرو بانک است (همان: ۲۱۴). از این‌رو شاعر، شغل آزاد را بر اداری ترجیح می‌دهد و توصیه می‌کند که به جای «چندر غاز» حقوق، سال‌ها تملق و منت‌کشی برای ارتقا (همان: ۱۱۰)، به شغل آزاد روی بیاورند (همان: ۱۹۹) و رییس خود باشند.

ب-۵) مفاسد اجتماعی: یکی از ناهنجاری‌های عصر روحانی، رواج اعتیاد است. هر چند اعتیاد در بادی امر، فردی به نظر می‌آید، در واقع یک معضل و مصیبت عظیم خانوادگی و اجتماعی و از آسیب‌های اجتماعی مهم دوره روحانی محسوب می‌شود و شاعر آن را از عوامل اصلی عقب‌ماندگی می‌داند و در شعری طنزآمیز، معتادان ایران را

به سخره می‌گیرد که زمانی که اروپاییان به فکر ساخت «طیاره» و انواع ماشین بودند، معتادان ایران با بنگ و افیون در عالم خیال سفر می‌کردند:

می‌کند سیر فلک با چپقی مرشد چرسی احتیاجی بشر امروز به طیاره ندارد
(روحانی، ۱۳۴۳: ۵۶)

از سال ۱۳۰۰ به بعد، قانون‌های مختلفی دربارهٔ انحصار تولید و مصرف مخدر به تصویب رسید، اما هیچ‌گونه تأثیری در کاهش اعتیاد نداشت. در سال ۱۳۲۰، برخی مناطق برای کشت تریاک ممنوع شد و بسیاری از صاحبان اراضی برای خالی کردن انبارهای خود، تریاک‌ها را به قیمت ارزان وارد بازار کردند. از این‌رو کسانی که تا آن زمان با تریاک آشنایی نداشتند، آلوده و معتاد شدند و به تدریج بر تعداد معتادان و شیره‌کش‌خانه‌ها افزوده شد (مدنی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

شاعر در شعر زیر، گسترش اعتیاد را با ترکیب‌های طنزآمیزی چون «گرز و افور»، نام‌آور پای منقلی و هم‌رنگ سگ صفرعلی» به سخره می‌گیرد و بر آن است که اگر رستم زابلی هم در این عصر بود، معتاد می‌شد:

گر رستم زال زابلی بود امروز به فکر تنبلی بود...
در دست گرفته گرز و افور همراه یلان به یللی بود
می‌خواند رجز به پای منقل نام‌آور پای منقلی بود...
آن شیر ژیان شرزه امروز هم‌رنگ سگ صفرقلی بود
(روحانی، ۱۳۴۳: ۴۳)

فساد دیگر عصر رضاخانی، باده‌خواری و به دنبال آن، ارتکاب به انواع جرایم مانند چاقوکشی (همان: ۲۴)، قتل‌های از سرِ مستی و مدهوشی (همان: ۲۱۴) و ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم و از دست دادن سرمایه و ثروت بود:

همه در رهن می و در گرو عیاشی است طشت و طاسی که در دکه سمسار افتد
(همان: ۴۹)

هر چند شراب‌خواری شرعاً حرام است، مصرف آن به‌ویژه بین خان‌ها، حاکمان، سربازان و حتی شیخان گمراه رواج داشت:

گفتم ای شیخ چرا باده نهان نوشی گفت از خدا بیم ندارم ز مفتش دارم
(روحانی، ۱۳۴۳: ۸۸)

فساد دیگر، رشوه‌خواری و به اصطلاح «باغ سبیل» بود که در ادارات و دستگاه‌های دولتی به شدت رواج داشت (همان: ۸۸، ۱۸۴، ۱۹۲). رشوه «حلال جمیع مشکلات» بود و هیچ کاری بدون رشوه صورت نمی‌گرفت. روحانی در شعری اغراق‌آمیز نه تنها انسان که پدیده‌های طبیعی ایران مثل باغ و بستان، کدو و چغندر را هم رشوه‌خوار می‌خواند:

بی‌رشوه ز دشت و باغ و بستان سودی نشود نصیب دهقان
بی‌رشوه کدو عمل نیاید آنگونه که در بغل نیاید
با بزرگان چغندر قند بی‌رشوه نمی‌زند شکرخند
(همان: ۱۶۹)

طنز در میان گونه‌های ادبی نقش پررنگی در مبارزه اجتماعی دارد. مبارزه‌ای که مخفیانه و غیرمستقیم در لابه‌لای خنده‌های تلخ، کنایه‌ها و استعاره‌ها و وارونه‌نمایی‌ها صورت می‌گیرد. به خاطر همین ویژگی مبارزه‌جویی در بطن متن هنری است که عده‌ای طنز را زاده غریزه اعتراض دانسته‌اند؛ اعتراضی که تبدیل به هنر شده است (پلارد، ۱۳۹۱: ۱۲). طنز با طرح انتقادی مشکلات اجتماعی و نکوهش عوامل آن، انگیزه‌ها و زمینه‌های مبارزه با پلشتی و پلیدی، کج‌روی و ناهنجاری را مهیا می‌سازد و بدیهی است که نظام سلطه و طبقه قدرت را آماج خود می‌گرداند.

طنز روحانی نیز واجد همین ویژگی‌هاست. او با آگاهی از اوضاع اجتماعی عصر خویش، به نقد کاستی‌ها و تبعیض‌ها و توصیف و تصویر انحطاط و مفسد اجتماعی می‌پردازد. بنابراین روحانی در تقابل و در حال مبارزه با بسیاری از گفتمان‌های رایج جامعه و به دنبال آگاهی‌بخشی مردم، رهایی از غفلت و جهل، احساس مشارکت در سرنوشت کشور و در نهایت همراه کردن آنان به مبارزه برای ایجاد تغییر، اصلاح و سازندگی در جامعه است.

از دید او، بسیاری از معضلات جامعه با تغییر بینش و نگرش مردم و ایفای واقعی و صادقانه نقش‌های سیاسی-اجتماعی‌شان، به مدد خود آنها حل می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت که به سبب چنین اعتقاد و دیدگاهی است که مبارزه با جهل و نادانی، غفلت و

بی‌خبری و خرافات و ساده‌لوحی مردم، یکی از درون‌مایه‌های بنیادی طنزهای روحانی را تشکیل می‌دهد (روحانی، ۱۳۴۳: ۹۳، ۱۰۷، ۱۷۷، ۲۸۳ و...).

در حوزه اقتصادی نیز روحانی اوضاع وخیم اقتصادی ایران و گرفتاری مردم در فقر و فلاکت را به نقد می‌کشد و با وجود مشکلات روزافزون اقتصادی، از آنان می‌خواهد که به جای مُدزدگی و مصرف‌گرایی و خرید اشیای لوکس، تجملی و آرایشی که سبب خروج ثروت کلان از کشور می‌گردد، به حمایت از کالاها و تولیدات ملی روی آورند و اسباب شکوفایی و رونق اقتصادی را فراهم نمایند (همان: ۲۳۷ و ۲۵۵).

شاعر در ارتباط با تجدد و نوگرایی بر این عقیده است که فهم نادرست عده‌ای از معنای تجدد، سبب روی‌گردانی مردم از دین و سنن و مناسک دینی - مذهبی و موجب تقلید کورکورانه آنان از مظاهر بی‌ارزش غربی شده است (همان: ۱۴، ۵۸، ۸۸، ۹۹ و...). از این‌رو می‌کوشد تا همگان را به فهم درست از تجدد برانگیزد و به ترقی و پیشرفت کشور وادارد.

نگرش روشنفکرانه روحانی نسبت به وضعیت زنان عصر خویش که هنوز با نگاهی تحقیرآمیز و به‌عنوان موجودی فرودست نگریده می‌شدند، دلالت بر دیدگاه منصفانه، سازنده و متأثر از آموزه‌های دینی شاعر دارد که نه نگاه تفریطی سنتی به زن را می‌پذیرد و نه نگاه افراطی مدرن را؛ در عین حال می‌کوشد تا زن، مقام و جایگاه شایسته خود را بیابد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله بررسی درون‌مایه‌های طنز روحانی با تحلیل عناصر زبانی و بیانی، چون باهم‌آیی واژگانی، روابط معنایی، نام‌دهی و عناصر بلاغی، مانند تشبیه، استعاره و کنایه انجام گرفته است. به‌طور مثال، هم‌آیی‌های واژگانی، جدا از خلق فضای طنزآمیز، گویای نگرش انتقادی و موضع سیاسی نویسنده نیز هست. همچنین شاعر با استفاده از تضاد معنایی (که یکی از کارآمدترین صنایع ادبی برای طرح موضوعات انتقادی است)، تبعیض‌ها و تضادهای سیاسی - اجتماعی و ایدئولوژیکی را به چالش می‌کشد. کاربرد واژگان محاوره و ترکیبات عامیانه نیز ابزاری برای طرح انتقادات اجتماعی به زبان مردمی است. مشکلات مربوط به محیط زندگی، رخدادهای سیاسی، اجتماعی مانند

قانون کشف حجاب، جنگ جهانی دوم و پیامدهای آنها، مشکلات اقتصادی، تجدد افراطی و غرب زدگی، زنان و مسائل مربوط به آنها، وضعیت کار و استخدام و مفاسد اجتماعی از جمله موضوعاتی هستند که در طنز روحانی مطرح شده‌اند. شیخان ریاکار، متجددان غرب زده و افراطی، زنان عامی و خرافاتی، معتادان و در برخی موارد اصحاب دولت آماج طنزهای روحانی هستند. او در غالب موقعیت‌های انتقادی به نفی وضع موجود می‌پردازد.

تحلیل درون‌مایه‌های طنز اشعار روحانی نشان می‌دهد که بیشترین توجه او به طرح موضوعات، معضلات و مناسبات اجتماعی گریبان‌گیر توده مردم معطوف بوده است و شاید به همین دلیل یا به سبب مسائل امنیتی، کمتر به‌طور صریح به طرح مسائل سیاسی روی آورده است. از این رو، می‌توان گفت که مهم‌ترین ویژگی طنز روحانی، توجه عمیق او به مردم و موضوعات مردمی است.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۶) «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، فصلنامه ادب‌پژوهی، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۷-۲۷.
- (۱۳۹۰) تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- آوری، پیتیر (۱۳۶۴) تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۲، تهران، عطایی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۹) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، دو جلد، تهران، سمت.
- بولارد، سر ریدر (۱۳۶۴) شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نو.
- بهار، محمدتقی (۱۳۳۵) دیوان اشعار، ج ۱، تهران، فردوسی.
- بهرام‌پور، شعبان‌علی (۱۳۷۹) «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، در: مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران، فرهنگ گفتمان.
- بیات، علی‌رضا (۱۳۹۲) بررسی شیوه‌ها و شگردهای طنزپردازی تمام آثار فریدون توللی، رهی معیری و غلام‌رضا روحانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم.
- پلارد، آرتور (۱۳۹۱) طنز، ترجمه سعید سعیدپور، چاپ پنجم، تهران، مرکز.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۸۰) «خواست‌های تجار و پاسخ دولت پهلوی به آن»، گنجینه اسناد، شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۳۲-۴۹.
- نیک‌بین، بیژن (ویرایش) (۱۳۷۱) گذشته چراغ راه آینده است، تهران، نیلوفر.
- جوادی، حسن (۱۳۸۴) تاریخ طنز در ادبیات فارسی، تهران، کاروان.
- روحانی، غلام‌رضا (۱۳۴۳) کلیات اشعار و فکاهیات روحانی، تهران، سنایی.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۴) قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵) صور خیال در شعر فارسی، چاپ دهم، تهران، آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) نگاهی تازه بدیع، چاپ چهاردهم، تهران، فردوس.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰) از زبان‌شناسی به ادبیات، ج ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- صلاح، مهدی (۱۳۸۴) کشف حجاب: زمینه‌ها، واکنش‌ها و پیامدها، تهران، مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- صلاحی، عمران (۱۳۸۲) خنده‌سازان و خنده‌پردازان، تهران، علم.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۶) بلاغت تصویر، تهران، سخن.
- (۱۳۹۰) سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران، سخن.
- فرجیان، مرتضی و محمدباقر نجف‌زاده بارفروش (۱۳۷۰) طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب، ج ۱، تهران، بنیاد.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کریچلی، سیمون (۱۳۸۴) در باب طنز، ترجمه سهیل سُمی، تهران، ققنوس.

گیلانی، سید اشرف‌الدین (نسیم شمال) (۱۳۷۱) کلیات جاودانه نسیم شمال، به کوشش حسین نمیمی، تهران، اساطیر.

مجدد، محمدقلی (۱۳۸۷) قحطی بزرگ، ترجمه محمد کریمی، تهران، مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۰) اعتیاد در ایران، تهران، ثالث.

مکی، حسین (۱۳۶۳) تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۱، تهران، ناشر.

میلسیو، آرتور (۱۳۷۰) امریکایی‌ها در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز.

ون‌دایک، تئون ای (۱۳۹۴) ایدئولوژی و گفتمان، ترجمه محسن نوبخت، تهران، سیاه‌رود.

هدایت، مخبرالسلطنه (۱۳۶۳) خاطرات و خطرات، چاپ چهارم، تهران، زوآر.

یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹) تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ چهارم، تهران، نی.

Janks, Hilary (1997) Critical Discourse Analysis as a Research Tool, *Discourse, Studies in the Cultural Politics of Education*, 18, vol. 3, 329- 342.